۱۳۳-۱۴۸

نقش واسطه‌ای خودکارآمدی و ناامیدی در رابطه میان جو عاطفی خانواده با بی‌حوصلگی نوجوانان دختر*

◈ اشرف گندمکار[۱] ◈ دکتر سلمان زارعی[۲]

چکیده: شواهد نشان می‌دهد جو عاطفی خانواده بر بی‌حوصلگی در دورهٔ نوجوانی اثرگذار است. هرچند در پژوهشهای پیشین رابطه میان جو عاطفی خانواده و بی‌حوصلگی مورد بررسی قرار گرفته است، اما درباره ســـاز و کارهای زیربنایی این رابطه مطالعات اندکی وجود دارد. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش واسطه‌ای خودکارآمدی و ناامیدی در رابطه میان جو عاطفی خانواده و بی‌حوصلگی نوجوانان انجام شده است. روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش دانش‌آموزان دختر دورهٔ اول متوسطه منطقه ۱۱ تهران در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بود که از میان آنها ۲۸۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از مقیاس خودکارآمدی عمومی (شـــرر و همکاران، ۱۹۸۲)، مقیاس ناامیدی کودکان و نوجوانان (کازدین و همکاران، ۱۹۸۶)، پرسشنامه جو عاطفی خانواده (نودرگاه‌فرد، ۱۳۷۳) و مقیاس چندبعدی حالت بی‌حوصلگی (فالمن و همکاران، ۲۰۱۳) گردآوری و از طریق همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر تجزیه شدند. نتایج نشان داد که اثر مستقیم جو عاطفی خانواده بر خودکارآمدی مثبت معنادار و بر ناامیدی و بی‌حوصلگی منفی معنادار بود. همچنین، اثر مستقیم خودکارآمدی بر بی‌حوصلگی منفی معنادار، اما اثر مستقیم ناامیدی بر بی‌حوصلگی معنادار نبود. همچنین، یافته‌های پژوهش نشـــان دادند که خودکارآمدی در رابطه میان جو عاطفی خانواده و بی‌حوصلگی نقشی واسطه‌ای دارد، اما ناامیدی در رابطه میان جو عاطفی خانواده و بی‌حوصلگی نقشی واسطه‌ای ندارد. بر اساس یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت خودکارآمدی از عوامل مهم اثرگذار بر بی‌حوصلگی در میان نوجوانان به‌شمار می‌آید، بنابراین، بهبود سطح خودکارآمدی می‌تواند روشی مطلوب برای کمک به نوجوانان در برابر مشکلات و پیشگیری از بی‌حوصلگی باشد.

کلید واژگان: بی‌حوصلگی، جو عاطفی خانواده، خودکارآمدی، ناامیدی، نوجوانی

◉ تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۲۲ ◉ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۷

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسندهٔ اول است.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران‌جنوب، تهران، ایران. ash.gandomkar@gmail.com

۲. **نویسنده مسئول:** استادیار گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. zarei.s@lu.ac.ir

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-04]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.4.8.0]

مقدمه

در چرخهٔ تحول روانی هر فرد دوره‌ای مهم وجود دارد که میان دوران کودکی و بزرگسالی قرار دارد و دورهٔ نوجوانی نامیده می‌شـــود؛ دوره‌ای که مشخص‌کننده پایان کودکی و آغاز پی‌ریزی پختگی است و در سه بعد زیستی، روانی و اجتماعی که هر سه رابطه نزدیکی با هم دارند، نمایان می‌شود (لوئو، ژانگ و چن[1]، ۲۰۲۰). اضطراب خاص این دوران به دلیل تحول در ملاکهای ارزشی و مشکل چگونگی برخورد با فشـــار غرایز، برای نوجوان اجتناب‌ناپذیر است و احتمال بروز رنج درونی، فشار عاطفی، نگرانی، ترس، آشفتگی و احساس گناه، شـــدیدتر از دوره‌های دیگر است (یان[2] و همکاران، ۲۰۲۰). ویژگیهای رشدی این مرحله ممکن اســـت زمینه‌ســـاز بروز انواع اختلالات رفتاری و بیماریهای روانی باشـــد (روتبوخ[3] و همکاران، ۲۰۱۹).

در این میان بی‌حوصلگی یکی از مشـــکلات جدی دوران نوجوانی شـــناخته می‌شـــود که با کاهش خودکنترلی و توانایی تنظیم هیجان نوجوانان سبب بروز مشکلات بسیار در زمینه‌های گوناگون ارتباطی، تحصیلی و اجتماعی می‌شود (بیولکاتی، مانچینی و ترومبینی[4]، ۲۰۱۸). بی‌حوصلگی پدیده‌ای روان‌شناختی است که به‌منزلهٔ یک حالت تنفر یا ناسازگاری با هر نوع تجربه تکراری تعریف می‌شود، مانند کار روزانه و بی‌قراری زیاد در شرایطی که رهایی از یکنواختی امکان‌پذیر نیست (ایساچسکو، استروک و دانکرت[5]، ۲۰۱۷) و با انواع احساسات ذهنی فردی همچون بی‌ارزش بودن همراه است (نبیلا، کریستیا و دنیسورو[6]، ۲۰۱۹؛ وســـتفال، کرچمن، گرونســـتاج و وک[7]، ۲۰۱۸). همچنین، این پدیده که عمدتاً با فقدان توجه و تمرکز مشخص می‌شود در طیفی از متوسط تا شدید قرار می‌گیرد و با ملالت و فقدان تمایل به برقراری ارتباط با محیط فعلی معادل دانسته می‌شـــود (وستگیت و ویلسون[8]، ۲۰۱۸). پژوهشها نشان می‌دهند که نوجوانان در دوره‌ای حساس قرار دارند که آگاهی تدریجی آنان از کیفیت روابط خانوادگی بر حالات روان‌شـــناختی آنان از جمله بی‌حوصلگی اثرگذار اســـت (ژو و بوهلر[9]، ۲۰۱۹). بر اســـاس فرضیه امنیت هیجانی، یک رابطه مخرب خانوادگی هیجانهای منفی و ناامنی در میان فرزندان ایجاد می‌کند که ممکن اســـت منجر به طیفی از مشکلات شامل بی‌حوصلگی تا آسیبهای روانی مانند افسردگی و اضطراب شود (استیل و مک‌کینی[10]، ۲۰۱۹).

1. Luo, Zhang & Chen
2. Yun
3. Reutebuch
4. Biolcati, Mancini & Trombini
5. Isacescu, Struk & Danckert
6. Nabilla, Christia & Dannisworo
7. Westphal, Kretschmann, Gronostaj & Vock
8. Westgate & Wilson
9. Zhou & Buehler
10. Steele & McKinney

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-04]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.4.8.0]

بر اساس نظریه نظامهای خانواده بوئن[1] (۱۹۶۶) خانواده یک واحد هیجانی بنیادی با مرزهای مشخص و قوانین درونی اســت که جو عاطفی منفی آن ممکن است به ناســازگاری فرزندان بینجامد (لئونگ و شک[2]، ۲۰۲۰). جو عاطفی خانواده شامل محبت، نوازش، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشــویق کردن، اعتماد و احساس امنیتی اســت که کودک آنها را از پدر، مادر و سایر افراد خانه دریافت می‌کند (لوئب و بل[3]، ۲۰۱۴). کاهش در بعد عاطفی خانواده مانند مراقبت و همچنین در دسترس نبودن و فقدان محبت می‌تواند اختلالات رفتاری و تحصیلی بسیار را در دورهٔ نوجوانی پیش‌بینی کند (هنینگ[4] و همکاران، ۲۰۱۳) و همین‌طور روابط خصمانه، طرد و غفلت فرزندان از سوی والدین می‌تواند پیامدهایی ناگوار مانند مشــکلات عاطفی، رفتاری و به‌کارگیری راهکارهای مقابله‌ای منفعلانه در برابر مشــکلات و فشــارهای زندگی برای فرزندان به‌بار آورد (مورفی، ویکراماراتنی و وایســمن[5]، ۲۰۱۰). در کنار موارد مطرح‌شده، پژوهشها نشان می‌دهند که جو عاطفی نامطلوب خانواده مشارکت خانوادگی در حل مشکلات فرزندان را مختل می‌سازد و ســبب افزایش خُلق منفی و بی‌حوصلگی اعضای خانواده، به‌ویژه نوجوانان می‌شود (میشرا و شانول[6]، ۲۰۱۴؛ دونگ، وانگ، ژو، لی و فانگ[7]، ۲۰۲۰).

اگرچه پژوهشها نشــان می‌دهنــد که جو عاطفی خانواده با بی‌حــوصلگی ارتبــاطی قــوی و بــالا دارد، اما مکانیســمهای واســطه‌ای زیربنایی این رابطــه (چگونه جو عاطفی خانواده بــا بی‌حوصلگی ارتباط دارد) به‌طور واضح مشــخص نیســت. در میان یکی از متغیرهایی که بر اساس نظریه نظامهای خانواده بوئن (۱۹۶۶) و مدل آســیب‌پذیری به افســردگی بلات[8] (۱۹۷۴) می‌تواند در رابطه جو عاطفی خانواده با بی‌حوصلگی نقش واسطه‌ای داشته باشد، خودکارآمدی است (اکبری، پناغی، حبیبی و صادقی، ۱۳۹۵؛ نصیری و یغمایی، ۱۳۹۸). خودکارآمدی توانی سازنده است که از طریق آن، معارف شناختی، اجتماعی، عاطفی و رفتاری انسان برای تحقق بخشیدن به اهداف گوناگون، به‌گونه‌ای اثربخش سازمان‌دهی می‌شود (بندورا[9]، ۲۰۰۶). همچنین، خودکارآمدی عاملی است که موجب ایجاد نوعی عزت‌نفس، اعتماد به‌نفس و ســرعت در فرد می‌شــود و وی را به‌سوی تعاملات اجتماعی می‌کشــاند (کوشکی، کرامتی و حسنی، ۱۳۹۶). پژوهشها نشان می‌دهنــد کــه رشــد و توسعــه شایستگی خودکــارآمدی به‌میــزان قابــل‌توجهی تحت‌تأثیــر جو عاطفی خانــواده قرار دارد و نوجوانانی که ارزیابی مطلوبــی از فضای خانواده خود دارند به‌راحتی می‌توانند پدیده‌ها و رویدادها را به‌منظور رسیدن به وضعیت مطلوب خود با رفتار مناسب سازمان

1. Bowen family systems theory
2. Leung & Shek
3. Luebbe & Bell
4. Henning
5. Murphy, Wickramaratne & Weissman
6. Mishra & Shanwal
7. Dong, Wang, Zhu, Li & Fang
8. Blatt's Depressive vulnerability model
9. Bandura

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-04]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.4.8.0]

دهند (آزموده، جعفری‌نژاد و مظلوم، ۲۰۱۵؛ کاگوت[1]، ۲۰۱۶). همچنین، بر مبنای مدل آسیب‌پذیری به افسردگی بلات (۱۹۷۴) که خودکارآمدی را چارچوبی مفید در تبیین حالتهای منفی روان‌شناختی مانند بی‌حوصلگی می‌داند، پژوهشهای انجام‌شده بر مبنای این مدل نشان می‌دهند که نوجوانان با خودکارآمدی ضعیف بر کاستیها و ناتوانیهای خود متمرکز می‌شوند و به‌دلیل احساس بی‌کفایتی، از شرکت در فعالیتهای بالقوهٔ پاداش‌دهنده اجتناب می‌ورزند (سانچز - روزاس و اسکیول[2]، ۲۰۱۶). این اجتناب‌ورزی مقدار زیادی از بازخوردها و تقویت‌کننده‌های مثبتی را که فرد می‌تواند از محیط دریافت کند، حذف می‌کند (روئیز-گونزالز، ویدرا و مورنو - مورسیا[3]، ۲۰۱۵) و درنتیجه با شکستهای پیاپی مواجه می‌شوند و این شکستها به احساس بی‌حوصلگی می‌انجامند (نگووان، استریان و مارتین[4]، ۲۰۱۵؛ ژو و کام[5]، ۲۰۱۷).

متغیر دیگری که بر مبنای نظریه نظامهای خانواده بوئن (۱۹۶۶) و نظریه ساخت و گسترش فردریکسون[6] (۱۹۹۸) می‌تواند در رابطه جو عاطفی خانواده با بی‌حوصلگی نقش واسطه‌ای داشته باشد، ناامیدی است (فرهادی، پوراعتماد، عسگری و خوشابی، ۱۳۹۰). ناامیدی حالتی تکان‌دهنده است که با احساس ناممکن بودن امور، ناتوانی و بی‌علاقگی به زندگی آشکار می‌شود (چن[7]، ۲۰۱۶). از آنجا که توسعه امید تا حد بسیار زیاد از نظر تحولی در دورهٔ نوجوانی اتفاق می‌افتد و مرحله‌ای است که تأثیر والدین و خانواده هنوز نسبتاً قوی است، جو عاطفی مطلوب خانوادگی می‌تواند به توسعه این هیجان کمک کند. در نقطه مقابل اگر فضای خانواده حمایتگر و مطلوب نباشد و فرزندان را در رسیدن به‌اهداف (به عنوان مؤلفه اصلی امید) همراهی نکند، این احتمال وجود دارد که شکست در رسیدن به اهداف، سبب ناامیدی فرزندان شود (کولاتزونی[8] و همکاران، ۲۰۲۰) و میزان آسیب‌پذیری آنان را در برابر مشکلات و حالتهای روان‌شناختی مانند بی‌حوصلگی افزایش دهد (روپتز[9] و همکاران، ۲۰۲۰). در کنار موارد مطرح‌شده، مطالعات انجام‌شده بر مبنای نظریه ساخت و گسترش فردریکسون (۱۹۹۸) نشان می‌دهد که ناامیدی و بی‌حوصلگی به‌مثابه یک هیجان منفی رابطه متقابل دارند و افرادی که سطح بالایی از امید را تجربه می‌کنند در طول زمان منابع اجتماعی (مانند روابط دوستی) و منابع روان‌شناختی (مانند خلاقیت و بهبود شیوه‌های مقابله) ایجاد می‌کنند که به رفع و ابطال حالات روان‌شناختی منفی و مقطعی آنها مانند بی‌حوصلگی کمک می‌کند (هویبرگز، ورته، ورته، دِویته و

1. Kogut
2. Sánchez-Rosas & Esquivel
3. Ruiz-González, Videra & Moreno-Murcia
4. Negovan, Sterian & Martin
5. Zhou & Kam
6. Feredrickson's broaden and build model
7. Chen
8. Collazzoni
9. Roupetz

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-04]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.4.8.0]

اسکولز[1]، ۲۰۱۸؛ آدسولا، لی و لیو[2]، ۲۰۱۹).

درمجموع، پژوهشها بر نقش بی‌حوصلگی در ایجاد و شکل‌گیری دامنه‌ای وسیع از مشکلات اجتماعی و روان‌شناختی مانند قماربازی اینترنتی (گلداستاین، ویلینا - چرچیل، استوارت، هوکن، فلت[3]، ۲۰۱۶)، افت تحصیلی و احتمال بالایی از ترک تحصیل (پکران، هال، گوتز و پری[4]، ۲۰۱۴)، افسردگی و اضطراب (گولدبرگ، ایستوود، لاگواردیا و دانکرت[5]، ۲۰۱۱) و تنهایی (چن، ۲۰۱۶) در میان دانش‌آموزان تأکید دارند. همچنین، مطالعات در میان نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ ساله نشان می‌دهد که بی‌حوصلگی پیش‌بین بسیاری از رفتارهای پرخطر مانند گرایش به مصرف مواد، رفتار خرید وسواسی و اعتیاد به اینترنت است (چو، چانگ و ین[6]، ۲۰۱۸). از این‌رو، با توجه به پیامدها و همچنین شیوع بی‌حوصلگی در میان نوجوانان توجه به این نکته ضروری است که چگونه و تحت چه شرایطی و از طریق چه متغیرهایی می‌توان ارتباط جو عاطفی خانواده و بی‌حوصلگی را بررسی کرد. درنهایت اینکه، مروری بر پژوهشها نشان می‌دهد که تاکنون در زمینهٔ ارتباط میان جو عاطفی خانواده با بی‌حوصلگی، به نقش واسطه‌ای خودکارآمدی و ناامیدی اشاره نشده است، بنابراین با توجه به فقدان مطالعه در جامعه نوجوانان دختر ایرانی پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است که آیا خودکارآمدی و ناامیدی در رابطه میان جو عاطفی خانواده با بی‌حوصلگی نقش واسطه‌ای دارند؟

روش پژوهش

جامعه آماری، نمونه پژوهش، روش نمونه‌گیری و روش گردآوری داده‌ها

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است که با استفاده از تحلیل مسیر انجام شده است. جامعه آماری پژوهش دانش‌آموزان دبیرستانهای دخترانه منطقه ۱۱ تهران در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بود. نمونهٔ پژوهش بر اساس دیدگاه کلاین (۲۰۱۶) که عنوان می‌کند حداقل حجم نمونه لازم برای تحلیل مسیر ۲۰۰ نفر است و با نگاه به احتساب حداقل ۲/۵ برابر تعداد سؤالات ابزارهای پژوهش بیش‌برآورد تعداد ۲۸۰ نفر انتخاب شده است. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. به این صورت که ابتدا از میان مناطق ۲۲ گانه آموزش‌وپرورش شهر تهران، منطقه ۱۱ انتخاب شده، سپس سه مدرسه آیین اسلام، کوثر و شایسته در سطح منطقه به‌صورت تصادفی انتخاب و از هر مدرسه سه پایه و از هر پایه دو کلاس انتخاب شده است. درمجموع تعداد ۲۸۰ نفر بر اساس ملاکهای ورود به پژوهش به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند. ملاکهای ورود به پژوهش

1. Hoeyberghs, Verté, Verté, De Witte & Schols
2. Adesola, Li & Liu
3. Goldstein, Vilhena - Churchill, Stewart, Hoaken & Flett
4. Pekrun, Hall, Goetz & Perry
5. Goldberg, Eastwood, LaGuardia & Danckert
6. Chou, Chang & Yen

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-04]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.4.8.0]

شـــامل: ۱) رضایت معلم و دانش‌آموز برای شـــرکت در پژوهش و ۲) دامنه ســـنی ۱۲ تا ۱۶ سال بود و تنها ملاک خروج از پژوهش داشـــتن سابقه بیماری جسمانی و روان‌شناختی خاص (بنابر خودگزارشی نوجوانان) بود. همچنین، ملاحظات اخلاقی اعم از مطلع بودن شرکت‌کنندگان از روند پژوهش و محرمانه ماندن اطلاعات شرکت‌کنندگان در پژوهش رعایت شده است.

◉ ابزارهای پژوهش

۱. مقیاس خودکارآمدی عمومی[1]: این مقیاس را شـــرر[2] و همکاران (۱۹۸۲) ســـاخته‌اند و دارای ۲۳ ســـؤال اســـت که ۱۷ ســـؤال آن به خودکارآمدی عمومی و ۶ ســـؤال دیگر نیز به تجربیات خودکارآمدی در موقعیتهای اجتماعی اختصاص دارد (شرر و همکاران، ۱۹۸۲). در این پژوهش از ۱۷ سؤال مربوط به قسمت خودکارآمدی عمومی استفاده شده است. شیوه نمره‌گذاری پرسشنامه خودکارآمدی به این‌صورت اســـت که به هر ماده نمره ۱ تـــا ۵ (کاملاً موافقم، موافقم، نه موافقم نه مخالف، مخالفم و کاملاً مخالفم) تعلق می‌گیرد. در این پرسشـــنامه، حداقل نمره برابر با ۱۷ و حداکثر آن برابر با ۸۵ اســـت. همچنین، نمره بالا حاکی از احساس خودکارآمدی بالاست (شرر و همکاران، ۱۹۸۲). ضریب اعتبار این پرسشـــنامه را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش کرده‌اند. وودراف و کشـــمن[3] (۱۹۹۳) نیز روایی سازه این مقیاس را با روش تحلیل عامل اکتشافی بررسی کرده و ساختار سه عاملی آن را مورد تأیید قرار داده‌اند. در پژوهش حاضر، اعتبار این ابزار با روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به‌دست آمده است.

۲. مقیـــاس ناامیدی کودکان و نوجوانان[4]: این مقیاس را کازدیـــن، راجرز و کولباس[5] (۱۹۸۶) به‌منظور ارزیابی میزان ناامیدی کودکان و نوجوانان ۸ تا ۱۶ ساله تهیه کرده‌اند که ۱۷ ماده دارد و آزمودنی باید موافقت یا مخالفت خود را با عبارات آن از طریق پاســـخهای بلی یا خیر مشخص کند (کازدین و همکاران، ۱۹۸۶). طیف پاسخگویی این مقیاس از نوع دوگزینه‌ای است که در آن هر جوابی که مطابق کلید پرسشـــنامه باشد نمره یک و گزینه‌های غیرمطابق با کلید، نمره صفر دریافت خواهند کرد. تنها در ۸ عبارت (۶-۵-۴-۳-۱-۷-۱۱-۱۶) که به‌صورت مثبت بیان شـــده اســـت، نمره‌گذاری به‌صورت معکوس انجام می‌گیرد. بالاترین نمره در این آزمون ۱۷ اســـت که نشان‌دهنده بیشترین میزان ناامیدی و کمترین نمره صفر است که نشان‌دهنده پایین‌ترین میزان ناامیدی اســـت. کازدین و همکاران (۱۹۸۶) اعتبار و روایی مقیاس خود را در میان ۲۶۲ کودک و

1. General Self-Efficacy Scale
2. Sherer
3. Woodruff & Cashman
4. Hopelessness Scale for Children
5. Kazdin, Rodgers & Colbus

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-04]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.4.8.0]

نوجوان ۶ تا ۱۳ ســـاله بستری (۶۲ دختر و ۲۰۰ پسر) بررسی کردند که نتایج مطالعه آنها نشان داد ضریب آلفای کرونباخ برای همســـانی درونی مقیاس برابر با ۰/۹۷ و ضریب اسپیرمن-براون حاصل از دونیمه‌ســـازی برابر با ۰/۹۶ بود که هر دو مقدار نشان‌دهنده همسانی درونی مقیاس و اعتبار قابل‌قبول آن بودند. در پژوهش حاضر، اعتبار این ابزار با روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به‌دست آمده است.

۳. پرسشـــــنامه جو عاطفی خانواده[1]: این پرسشنامه را نودرگاه‌فرد (۱۳۷۳) در ۳۵ ماده ساخته است و براساس یک طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از هرگز (نمره ۱) تا خیلی زیاد (نمره ۵) قرار دارد. جمع نمره‌های آزمودنی در هر ســـؤال، نمره کل او را در این آزمون تشکیل می‌دهد. حداقل نمره ۳۵ و حداکثر نمره ۱۷۵ اســـت. هر چه نمره آزمودنی در این پرسشنامه بیشتر باشد، نشان‌دهندهٔ این اســـت که جو عاطفی خانواده او بیشـــتر به یک جو عاطفی مســـاعد متمایل است (به نقل از قلمکاریان و اسماعیلی‌بابادی، ۱۴۰۰). زارعی (۱۴۰۰) این پرسشنامه را روی یک گروه نمونه ۵۰۰ نفری از دانشجویان اجرا و نتایج زیر را به دست آورده است. ضریب اعتبار این پرسشنامه با روش دونیمه کردن ۰/۹۴ گزارش شـــده اســـت که می‌توان نتیجه گرفت که این آزمون از اعتبار خوبی برخوردار اســـت. روایی محتوایی این پرسشـــنامه نیز از طریق بررسی سؤالات پرسشنامه مذکور بررســـی شده است. از آنجا که متخصصان اعتبار درونی ســـؤالات را تأیید کرده‌اند، می‌توان آن را یکی از شواهد روایی سازه تلقی کرد. در مطالعه حاضر، اعتبار این پرسشنامه با روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به‌دست آمده است.

۴. مقیاس چندبعدی حالت بی‌حوصلگی[2]: این مقیاس را فالمن[3]، مرسر- لین[4]، فلورا[5] و ایستوود (۲۰۱۳) بـــه‌کار برده‌اند کـــه ۲۹ عبارت دارد و به هر ســـؤال امتیازاتی به‌صـــورت طیف لیکرت هفت‌درجه‌ای کاملاً مخالفم (۱)، مخالفم (۲)، نســـبتاً مخالفم (۳)، احساســـی ندارم (۴)، نســـبتاً موافقم (۵)، موافقم (۶) و کاملاً موافقم (۷) اختصاص داده می‌شود. مجموع امتیازات کسب‌شده از سوی آزمودنیها، میزان بی‌حوصلگی روانی را که متحمل شده‌اند به‌صورت تخمینی با دامنه نمراتی میان ۲۹ تا ۲۰۳ نشـــان می‌دهد که کســـب نمره بالا در این پرسشنامه نشان‌دهنده بی‌حوصلگی روانی بیشـــتر در پاسخ‌دهنده اســـت. فالمن و همکاران (۲۰۱۳) ضریب اعتبار مقیاس چندبعدی حالت بی‌حوصلگی را بـــا روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶ گزارش کرده‌اند. آنها همچنین روایی سازه مقیاس را با استفاده از تحلیل عامل تأییدی و اکتشافی روی دو نمونه مجزا مورد مطالعه قرار

1. Family Emotional Climate Questionnaire
2. Multidimensional State Boredom Scale
3. Fahlman
4. Mercer-Lynn
5. Flora

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-04]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.4.8.0]

داده‌اند. نتایج این تحلیلها نشان داد که همه خرده‌مقیاسها بار عاملی معناداری روی ماده‌های خود دارند (فالمن و همکاران، ۲۰۱۳). در مطالعه حاضر، اعتبار این پرسشـــنامه با روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴۹ به‌دست آمده است.

پس از اجرای پرسشنامه‌ها تعداد ۶ پرسشنامه با استفاده از «فاصله ماهالونوبیس» به‌عنوان داده پرت مشخص و از روند پژوهش حذف شدند و درنهایت داده‌های مربوط به ۲۷۴ نفر با به‌کارگیری ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تحلیل مسیر تحلیل شدند.

یافته‌های پژوهش

بررسی ویژگیهای جمعیت‌شناختی نشان داد که میانگین سنی دانش‌آموزان گروه نمونه برابر ۱۴/۲۹ با انـحراف استانـدارد ۲/۸۳ بود. در جدول شمارهٔ ۱ به بررسی شاخصهای تـوصیفی نـمرات آزمودنیـها در پرسشنامه‌ها پرداخته شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی متغیرهای مورد بررسی

شاخصها / متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	ضرایب همبستگی			
			۱	۲	۳	۴
۱. خودکارآمدی	۶۳/۶۸	۹/۳۶	۱			
۲. ناامیدی	۲/۵۰	۲/۴۱	-۰/۳۷**	۱		
۳. جو عاطفی خانواده	۵۹/۲۴	۲۱/۱۹	۰/۲۴**	-۰/۴۲**	۱	
۴. بی‌حوصلگی	۸۰/۵۵	۱۲/۷۱	-۰/۲۸**	۰/۵۹**	-۰/۶۵**	۱

**P<۰/۰۱

در جدول شمارهٔ ۱ ضمن پرداختن به میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش به همبستگی میان متغیرها نیز پرداخته شـــده اســـت. نتایج نشـــان می‌دهد که میان خودکارآمـــدی با بی‌حوصلگی (r = -۰/۲۸) و میان جو عاطفی خانواده با بی‌حوصلگی (r =-۰/۶۵) رابطهٔ منفی معنادار و میان ناامیدی با بی‌حوصلگی (r =۰/۵۹) رابطه مثبت معنادار وجود دارد و همهٔ روابط در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادارند. با توجه به تأیید ارتباط معنادار میان متغیرها با یکدیگر امکان بررســـی نقش واسطه‌ای خودکارآمدی و ناامیدی در رابطه جو عاطفی خانواده و بی‌حوصلگی فراهم است. در ادامه به‌منظور بررسی مدل پژوهش از روش تحلیل مسیر استفاده شده است.

پیش از اجرای این آزمون، از برقراری مفروضه‌های اساسی آن (حجم نمونه، بهنجاری توزیع داده‌ها،

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-04]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.4.8.0]

همخطی چندگانه) اطمینان حاصل شد. بررسی بهنجاری توزیع داده‌ها با استفاده از شاخصهای کجی و کشـــیدگی نشان داد که هیچ یک از متغیرهای پژوهش انحراف جدی از توزیع بهنجار ندارند، زیرا کجی توزیع نمره‌ها در دامنه (۱ و ۱-) و کشـــیدگی در دامنه (۲ و ۲-) قرار داشـــت و بر اساس دیدگاه کلاین (۲۰۱۶) در ایـــن دامنه می‌توان توزیع داده‌ها را بهنجار فرض کرد. برای حجم نمونه اغلب مؤلفان نمونه بالاتر از ۲۰۰ نفر را برای تحلیل مسیر مناسب دانسته‌اند که بر این اساس حجم نمونه (۲۴۶ نفر) شرط کفایت نمونه را برقرار می‌ســـازد. همچنین، نتایج حاصل از بررسی همخطی چندگانه نشان داد که آماره تحمـــل (بزرگ‌تر از ۰/۱۰) و عامل تورم واریانس (کمتـــر از ۱۰) در متغیر جو عاطفی خانواده به‌ترتیب ۰/۸۰۳ و ۱/۲۴۶، در خودکارآمـــدی به‌ترتیب ۰/۷۸۸ و ۱/۲۶۸ و در ناامیدی به‌ترتیب ۰/۹۰۷ و ۱/۱۰۳ در دامنه پذیرش قرار دارند. بنابراین میان متغیرهای پژوهش همخطی چندگانه وجود ندارد. شکل شمارهٔ ۱ مدل پژوهش بر اســـاس ضرایب استانداردشـــده (β) و شکل شـــمارهٔ ۲ مدل پژوهش بر اساس ضرایب معناداری (t) را نشان می‌دهند.

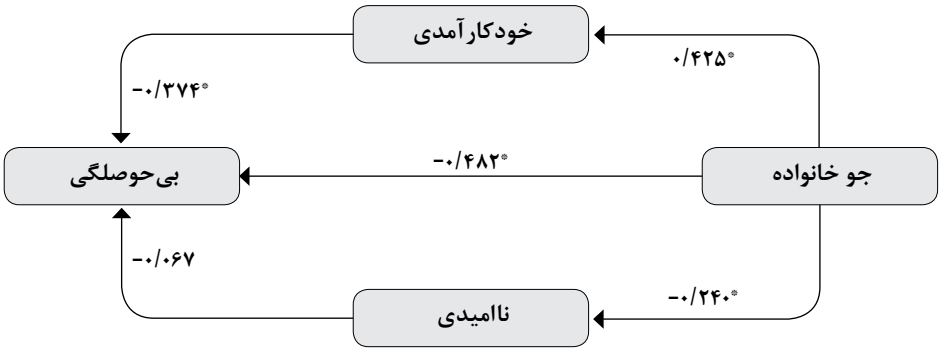

شکل ۱. مسیرهای برازش یافته با مدل استاندارد (*P<۰/۰۰۱)

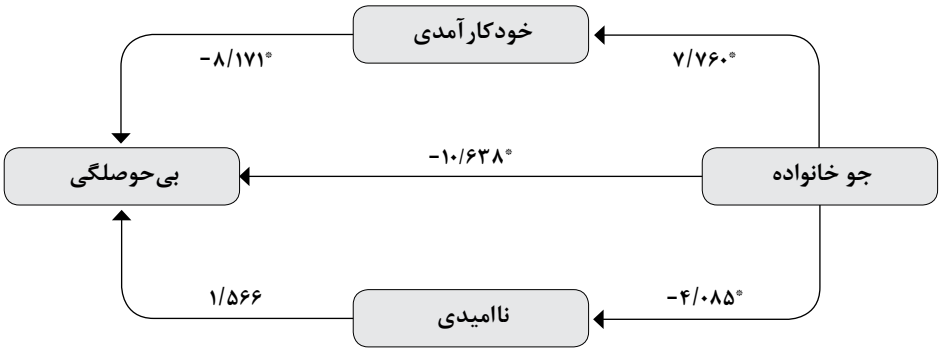

شکل ۲. مسیرهای برازش یافته با مقادیر بحرانی (*P<۰/۰۰۱)

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-04]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.4.8.0]

بررسی شاخصهای برازش مدل نشان داد که با توجه به شاخصهای به‌دست‌آمده در مدل آزمون شده (X^2/df =۲/۴۸۹ ، CFI=۰/۹۶۸ ، GFI=۰/۹۸۲ ، AGFI=۰/۹۱۵ ، RMSA=۰/۰۷۶ ، NFI=۰/۹۶۵) مدل از برازشی مناسب برخوردار است. با توجه به برازش مناسب مدل تخمین غیراستاندارد و استاندارد مسیرهای مدل در جدول شمارهٔ ۲ گزارش شده است.

جدول ۲. خلاصه یافته‌های تحلیل مسیرها

فرضیه‌ها (مسیرها)	تخمین استاندارد نشده	خطای استاندارد	مقدار بحرانی	تخمین استانداردشده
جو عاطفی خانواده ← خودکارآمدی	۰/۱۸۸	۰/۰۲۴	۷/۷۶۰*	۰/۴۲۵
جو عاطفی خانواده ← ناامیدی	-۰/۰۲۶	۰/۰۰۶	-۴/۰۸۵*	-۰/۲۴۰
جو عاطفی خانواده ← بی‌حوصلگی	-۰/۷۴۱	۰/۰۷۰	-۱۰/۶۳۸*	۰-/۴۸۲
خودکارآمدی ← بی‌حوصلگی	-۱/۳۰۰	۰/۱۵۹	-۸/۱۷۱*	-۰/۳۷۴
ناامیدی ← بی‌حوصلگی	۰/۹۵۵	۰/۶۱۰	۱/۵۶۶	۰/۰۶۷

*P<۰/۰۰۱

نتایج حاصل از آزمون تحلیل مسیرهای مدل ارائه شده نشان داد که اثر مستقیم جو عاطفی خانواده بر خودکارآمدی (ß=۰/۴۲۵، C.R=۷/۷۶۰ و P<۰/۰۰۱) مثبت معنادار و بر ناامیدی (ß=-۰/۲۴۰، C.R=-۴/۰۸۵ و P<۰/۰۰۱) و بر بی‌حوصلگی (ß=-۰/۴۸۲، C.R=-۱۰/۶۳۸ و P<۰/۰۰۱) منفی معنادار است. اثر مستقیم خودکارآمدی بر بی‌حوصلگی (ß=-۰/۳۷۴، C.R=-۸/۱۷۱ و P<۰/۰۰۱) منفی معنادار است، اما اثر مستقیم ناامیدی بر بی‌حوصلگی (ß=۰/۰۶۷، C.R=۱/۵۶۶ و P>۰/۰۵) معنادار نیست. با اطمینان از برازش مناسب مدل، ضرایب استاندارد کل مسیر، اثر مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم موجود در مدل مربوط به جو عاطفی خانواده و بی‌حوصلگی دانش‌آموزان با نقش واسطه‌ای خودکارآمدی و ناامیدی در جدول شمارهٔ ۳ آمده است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-04]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.4.8.0]

جدول ۳. ضرایب استاندارد کل، مستقیم و غیرمستقیم در مدل

مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	واریانس تبیین‌شده
بر خودکارآمدی از				۰/۱۸۱
جو عاطفی خانواده	۰/۴۲۵**	–	۰/۴۲۵	
بر ناامیدی از				۰/۰۵۸
جو عاطفی خانواده	-۰/۲۴۰**	–	-۰/۲۴۰	
بر بی‌حوصلگی از				۰/۵۵
جو عاطفی خانواده	-۰/۴۸۲**	–		
خودکارآمدی	-۰/۳۷۴**	-۰/۱۵۸*	-۰/۵۳۲	
ناامیدی	۰/۰۶۷	۰/۰۱۶	۰/۰۸۳	

**P<۰/۰۰۱ *P<۰/۰۱

همچنین، نتایج جدول ۳ نشـــان می‌دهد که اثر غیرمســـتقیم جو عاطفی خانـــواده از طریق نقش واسطه‌ای خودکارآمدی (β=-۰/۱۵۸) بر بی‌حوصلگی در سطح P<۰/۰۱ معنادار است، اما اثر غیرمستقیم جو عاطفی خانواده از طریق نقش واسطه‌ای ناامیدی (β=۰/۰۱۶) بر بی‌حوصلگی معنادار نیست. شایان ذکر است که برای بررسی معناداری اثرهای غیرمستقیم از آزمون بوت استرپ استفاده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای خودکارآمدی و ناامیدی در رابطه میان جو عاطفی خانواده با بی‌حوصلگی دانش‌آموزان دختر انجام شده است. نتایج نشـان داد کـه جو عاطفی خانواده بر بی‌حوصلگی دانش‌آموزان دختر اثر مســـتقیم منفی دارد. این یافته همسوست با نتایج مطالعات استیل و مک‌کینی (۲۰۱۹) و دونگ و همکاران (۲۰۲۰) که عنوان می‌کنند تعامل ناسالم و مخرب خانوادگی در ایجاد حالات روان‌شـــناختی منفی مانند بی‌حوصلگی نقش اساســـی دارد. در تبیین این یافته براســـاس نظریه نظامهای خانـــواده بوئن (۱۹۶۶) می‌توان این‌گونـــه بیان کرد که نبود مؤلفه‌هایی همچون نوازش، تایید و حمایت در فضای خانوادگی سبب می‌شود که اعضای آن خانواده به‌ویژه فرزندان نوجوان احساس ناامنی هیجانی داشته باشنـد و به‌دلیل گسستگی و جدایی عاطفی از اعضای خانواده، فقدان صمیمیت، سطح پایین کیفیت زندگی و از بین رفتن مرزها میان اعضای خانواده (مطابق با مطالعات هنینگ و همکاران، ۲۰۱۳ و ژو و بوهلر، ۲۰۱۹) دچار ناســـازگاری و

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-04]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.4.8.0]

مشـــکلات هیجانی مانند بی‌حوصلگی شوند. در تبیینی دیگر می‌توان بیان داشت که درواقع آنچه درون خانواده اتفاق می‌افتد در کنار چگونگی ارتباط عاطفی آن می‌تواند یک عامل کلیدی در ایجاد انعطاف‌پذیری و کاهش خطرات مرتبط با رویدادها و شرایط نامناسب در محیطهای گوناگون باشد (لیونگ و شک، ۲۰۲۰). از ایـن‌رو انتظار می‌رود که جو مـثبت عاطـفی و بهنجار خـانواده بـه‌ویژه در شاخصهایی مانند ارتباط و پاسخگویی عاطفی سلامت روانشناختی اعضای خانواده را در حیطه‌های متفاوت در پی داشـــته باشد که به‌تبع آن بر اســـاس مطالعات بازوکیس و دیمولاتیس[1] (۲۰۱۱) و میشرا و شانول (۲۰۱۴) می‌توان کاهش سطح بی‌حوصلگی را انتظار داشت.

در بخشی دیگر نتایج نشـان داد کـه جو عاطفی خانواده از طریق خـودکارآمدی بر بی‌حوصلگی اثر غیرمستقیم دارد. نتایج این یافته همخوانی دارد با پژوهشهای سانچز- روزاس و اسکیول (۲۰۱۶)، پوئنتـــه- دیاز و کاوازوس- آرویـــو[2] (۲۰۱۷) و ژو و کام (۲۰۱۷) که عنوان می‌کنند خودکارآمدی به مثابهٔ یک شایســـتگی تحت‌تأثیر خانواده و فضای سالم ارتباطی والد- فرزند قرار دارد و به افراد این امکان را می‌دهد که در شـــرایط نامطلوب هیجانی وضعیت خود را با رفتار مناسب و به دور از بی‌حوصلگی روان‌شـــناختی ســـازمان دهند. در تبیین این یافته بر مبنای نظریه نظامهای خانواده بوئن (۱۹۶۶) و مدل آسیب‌پذیری به افسردگی بلات (۱۹۷۴) می‌توان این‌گونه بیان کرد که هرچه تعارض و تنشهای خانوادگی بیشـــتر باشند و اعضای خانواده جو عاطفی نامطلوبی را تجربه کنند می‌توان انتظار داشـــت که اعضای آن خانواده توانایی لازم را برای مدیریت مســـائل خود نخواهند داشت و به‌دلیل احساس پایین خودکارآمدی ترجیح می‌دهند از موقعیتهای مختلف اجتناب کنند (روئیز- گونزالز و همکاران، ۲۰۱۵) که این اجتناب بر اســـاس پژوهش نگووان و همکاران (۲۰۱۵) منجر به ایجاد احساسهای منفی از جمله بی‌حوصلگی در آنان می‌شود. در تبیین دیگر می‌توان بیان داشت، نوجوانانی که در یک فضای مطلوب خانوادگی و با سبکهای سازنده ارتباطی و فرزندپروری رشد یافته‌اند، میزان خودباوری و خودکارآمدی بالایی دارند و بیشتر تلاش می‌کنند که خلق منفی و بی‌حوصلگـــی خود را مدیریت و کاهش دهند (نصیـــری و یغمایی، ۱۳۹۸). همچنین، در تبیین این یافته بر اســـاس دیدگاه بنـــدورا (۲۰۰۶) می‌توان مطرح کرد هنگامی که معیارهای خانوادگی در ارتباط با شایســـتگی و لیاقت، بسیار بالاتر از اثرمندی نوجوانان در رسیدن به آن معیارها باشد، حس عدم اثرمندی برای تحقق بخشـــیدن به معیارهای ارزشمند، به‌ویژه در فضای غیرحمایتی و نامطلوب خانوادگی از نظر هیجانی ممکن است سبب خود بی‌ارزش‌سازی و در نتیجه بی‌حوصلگی شود.

درنهایت نتایج نشان داد که جو عاطفی خانواده از طریق ناامیدی بر بی‌حوصلگی اثر غیرمستقیم ندارد. در زمینهٔ این مسیر غیرمستقیم قابل ذکر است که در یک بخش جو عاطفی خانواده بر ناامیدی

1. Bazoukis & Dimoliatis
2. Puente-Díaz & Cavazos-Arroyo

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-04]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.4.8.0]

اثر مستقیم منفی دارد و این بخش با مطالعات روپتز و همکاران (۲۰۲۰) و کولاتزونی و همکاران (۲۰۲۰) همسویی دارد، اما در بخش دیگر این مسیر، ناامیدی بر بی‌حوصلگی اثر مستقیم معناداری ندارد، بنابراین مسیر غیرمستقیم به‌طورکلی معنادار نیست. در تبیین رابطه جو عاطفی خانواده با ناامیدی می‌توان بر مبنای نظریه نظامهای خانواده بوئن (۱۹۶۶) و نظریه گسترش و ساخت فردریکسون (۱۹۹۸) بیان داشت که فضای نامطلوب هیجانی و عاطفی خانواده مانع از رسیدن فرزندان به اهدافشان می‌شود و زمانی‌که افراد نتوانند منابع لازم برای رسیدن به اهدافشان را با حمایت عاطفی خانواده رشد دهند احتمال بسیار دارد که ناامیدی را تجربه کنند (هویبرگز و همکاران، ۲۰۱۸). در زمینهٔ عدم میانجیگری ناامیدی بر اساس مطالعه آدسولا و همکاران (۲۰۱۹) می‌توان بیان داشت که میان این دو متغیر رابطه متقابل وجود دارد و در بسیاری از مواقع بی‌حوصلگی مقدم بر ناامیدی است. همچنین، از آنجا که آمادگی داشتن برای بی‌حوصلگی یک ضعف روان‌شناختی است که با صفات شخصیتی و احساسی آزاردهنده همچون افسردگی و ناامیدی مرتبط است، بنابراین، ناامیدی نیز با بی‌حوصلگی نوجوانان در ارتباط است، اما بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر اثر مستقیم ناامیدی بر بی‌حوصلگی دانش‌آموزان معنادار نبود و این می‌تواند به این دلیل باشد که گروه نمونه در پرسشنامه خودکارآمدی از حد متوسط خود بالاتر بوده و در پرسشنامه بی‌حوصلگی پایین‌تر از متوسط نمره ابزار بوده است و وضعیت ناامیدی آنان پایین‌تر از حد انتظار بوده است. درنتیجه خودکارآمدی آنان بر ناامیدی غالب شده و امکان معنادار نبودن اثر مستقیم ناامیدی بر بی‌حوصلگی و نداشتن نقش واسطه‌ای در ارتباط میان جو عاطفی خانواده و بی‌حوصلگی را فراهم کرده است.

شایان ذکر است که همچنان که هر پژوهشی دارای محدودیتهایی است، پژوهش حاضر نیز محدویت داشت. از آنجا که شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر، دانش‌آموزان دختر دوره اول متوسطه بودند، لذا تعمیم نتایج پژوهش حاضر به گروههای دیگر و پسران باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین، به‌دلیل شیوع ویروس کرونا پاسخگویی به پرسشنامه‌ها غیرحضوری صورت گرفته که ممکن است تعمیم نتایج پژوهش را تحت‌تأثیر قرار داده باشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که این پژوهش در مقاطع سنی پایین‌تر و بالاتر از گروه نمونه و همین‌طور پسران انجام پذیرد. همچنین، آموزش و پرورش کارگاههای آموزشی برای والدین در مورد تأثیر جو عاطفی خانواده بر روند رشد شخصیتی و وضعیت روانی نوجوانان در فرهنگسراها (وابسته به شهرداری) برگزار کند و مدارس و رابطه آنها با متغیرهای این پژوهش مدنظر قرار گیرد. افزون بر این، پیشنهاد می‌شود که آموزش و پرورش زیرساختها و امکانات لازم را برای رشد سالم و بهبود وضع روانی نوجوانان فراهم کند. همچنین ضرورت دارد در زمینه بی‌حوصلگی در مدارس و مقابله با آن به دانش‌آموزان و والدین آموزش داده شود و برنامه‌های فرهنگی مناسب در زمینهٔ متغیرهای این پژوهش تهیه شود. در ضمن کودکان و نوجوانان در هر مقطع تحصیلی و سنی از نظر روانی ارزیابی شوند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-04]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.4.8.0]

منابع

REFERENCES

اکبری، اسداله؛ پناغی، لیلی؛ حبیبی، مجتبی و صادقی، منصوره‌سادات. (۱۳۹۵). کارکرد خانواده ادراک‌شده و افکار خودکشی دانشجویان: نقش تعدیل‌کننده ناامیدی. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۲۲ (۴)، ۲۸۴-۲۹۱.

زارعی، سلمان. (۱۴۰۰). بررسی نقش واسطه‌ای خودتمایزیافتگی در رابطه بین جو عاطفی خانواده و خرید وسواسی در دانشجویان دختر. *مجله علوم پزشکی رازی*، ۲۸ (۱۲)، ۱۲۷-۱۳۷.

فرهادی، علی؛ پوراعتماد، حمیدرضا؛ عسگری، علی و خوشابی، کتایون. (۱۳۹۰). پیش‌بینی‌کننده‌های بی‌حوصلگی در نوجوانان. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۳ (۱)، ۱۰۴-۹۴.

قلمکاریان، سیدمحمد و اسماعیلی‌بابادی، مریم. (۱۴۰۰). رابطه جو عاطفی خانواده با رشد خودمختاری و احساس تعلق به‌مدرسه در دانش‌آموزان دختر مقطع دوم متوسطه در ایام کرونا. *مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، ۴ (۳۹)، ۱۵۰-۱۶۳.

کوشکی، محمود؛ کرامتی، هادی و حسنی، جعفر. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش خودکارآمدی بر استرس تحصیلی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر. *روان‌شناسی مدرسه*، ۷ (۲)، ۱۹۶-۲۱۳.

نصیری، محسن و یغمایی، فریده. (۱۳۹۸). همبستگی خودکارآمدی و بی‌حوصلگی با تعهد سازمانی در اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان. *فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت*، ۹ (۱)، ۵۰-۴۲.

Adesola, S. A., Li, Y., & Liu, X. (2019). Boredom in learning. In *Proceedings of ICEIT* 2019*:* 2019 *8th International Conference on Educational and Information Technology* (pp. 86-91).

Azmoude, E., Jafarnejade, F., & Mazloum, S. R. (2015). The predictors for maternal self-efficacy in early parenthood. *Journal of Midwifery and Reproductive Health, 3*(2), 368-376 .

Bandura, A. (2006). Toward a psychology of human agency. *Perspective of Psychological Science*, *1*(2), 164 180.

Bazoukis, G., & Dimoliatis, I. (2011). Cheating in medical schools in Greece: Quantitative evaluation and recommendations for resolving the problem. *Archives of Hellenic Medicine*, *28*(3), 390-399.

Biolcati, R., Mancini, G., & Trombini, E. (2018). Proneness to boredom and risk behaviors during adolescents' free time. *Psychological Reports*, *121*(2), 303-323.

Blatt, S. J. (1974). Levels of object representation in anaclitic and introjective depression. *The Psychoanalytic Study of the Child, 29*(1), 107-157.

Chen, H. (2016). The relationship between alexithymia and emotional symptoms: Mediating effects of boredom proneness. *Chinese Journal of Clinical Psychology, 24*(4), 648-651.

Chou, W. J., Chang, Y. P., & Yen, C. F. (2018). Boredom proneness and its correlation with Internet addiction and Internet activities in adolescents with attention-deficit/hyperactivity disorder. *Kaohsiung Journal of Medical Sciences*, *34*(8), 467-474.

Collazzoni, A., Stratta, P., Pacitti, F., Rossi, A., Santarelli, V., Bustini, M., ... Rossi, R. (2020). Resilience as a mediator between interpersonal risk factors and hopelessness in depression. *Frontiers in Psychiatry*, *11,* 10.

Dong, Y., Wang, H., Zhu, L., Li, C., & Fang, Y. (2020). How parental involvement influences adolescents' academic emotions from control-value theory. *Journal of Child and Family Studies*, *29*(2), 282-291.

Fahlman, S. A., Mercer-Lynn, K. B., Flora, D. B., & Eastwood, J. D. (2013). Development and validation of the multidimensional state boredom scale. *Assessment*, *20*(1), 68-85.

Goldberg, Y. K., Eastwood, J. D., LaGuardia, J., & Danckert, J. (2011). Boredom: An emotional

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-04]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.4.8.0]

experience distinct from apathy, anhedonia, or depression. *Journal of Social and Clinical Psychology, 30*(6), 647-666.

Goldstein, A. L., Vilhena-Churchill, N., Stewart, S. H., Hoaken, P. N. S., & Flett, G. L. (2016). Mood, motives, and money: An examination of factors that differentiate online and non-online young adult gamblers. *Journal of Behavioral Addiction*, *5*(1), 68-76.

Henning, M. A., Ram, S., Malpas, P., Shulruf, B., Kelly, F., & Hawken, S. J. (2013). Academic dishonesty and ethical reasoning: Pharmacy and medical school students in New Zealand. *Medical Teacher, 35*(6), e1211- e1217.

Hoeyberghs, L., Verté, E., Verté, D., De Witte, N., & Schols, J. (2018). Hopelessness, life dissatisfaction and boredom among older people. *British Journal of Community Nursing*, *23*(8), 400-405.

Isacescu, J., Struk, A. A., & Danckert, J. (2017). Cognitive and affective predictors of boredom proneness. *Cognition and Emotion*, *31*(8), 1741-1748.

Kazdin, A. E., Rodgers, A., & Colbus, D. (1986). The hopelessness scale for children: Psychometric characteristics and concurrent validity. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 54*(2), 241-245.

Klein, R. (2016). *Principles and practice of structural equation modeling* (4th ed.). New York: Guilford Press.

Kogut, E. (2016). Adult attachment styles, self-efficacy, and causal attributional style for achievement-related failures. *Learning & Individual Differences*, *50*, 64-72.

Leung, J. T. Y., & Shek, D. T. L. (2020). Parental control and adolescent wellbeing in Chinese adolescents in Hong Kong. *Child Indicators Research*, *13*(2), 703-727.

Luebbe, A. M., & Bell, D. J. (2014). Positive and negative family emotional climate differentially predict youth anxiety and depression via distinct affective pathways. *Journal of Abnormal Child Psychology*, *42*(6), 897-911.

Luo, Y., Zhang, H., & Chen, G. (2020). The impact of family environment on academic burnout of middle school students: The moderating role of self-control. *Children and Youth Services Review*, *119*, 105-482.

Mishra, S., & Shanwal, V. K. (2014). Role of family environment in developing self-efficacy of adolescent. *Integrated Journal of Social Sciences*, *1*(1), 28-30.

Murphy, E., Wickramaratne, P., & Weissman, M. (2010). The stability of parental bonding reports: A 20-year follow-up. *Journal of Affective Disorders*, *125*(1-3), 307-315.

Nabilla, S. P., Christia, M., & Dannisworo, C. A. (2019). The relationship between boredom proneness and sensation seeking among adolescent and adult former drug users. In *Proceedings of 2nd International Conference on Intervention and Applied Psychology (ICIAP 2018)*. Atlantis Press.

Negovan, V., Sterian, M., & Martin, O. P. (2015). Interparental relationships and preparatory class children's self-esteem and self-efficacy. *Procedia-Social & Behavioral Sciences, 187*, 637-641.

Pekrun, R., Hall, N. C., Goetz, T., & Perry, R. P. (2014). Boredom and academic achievement: Testing a model of reciprocal causation. *Journal of Educational Psychology*, *106*(3), 696-710.

Puente-Díaz, R., & Cavazos-Arroyo, J. (2017). Creative self-efficacy: The role of self-regulation for schoolwork and boredom as antecedents, and divergent thinking as a consequence. *Social Psychology of Education*, *20*(2), 347-359.

Reutebuch, C. K., Roberts, G. J., Thompson, J. L., El Zein, F., Mize, M., Weinberg, A. N., ... Rodriguez, K. (2019). Reading comprehension treatment development for high school students with autism spectrum disorder: Stakeholder considerations for feasibility. *Research in Autism Spectrum Disorders*, *57*, 105-119.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-04]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.4.8.0]

Roupetz, S., Bartels, S. A., Michael, S., Najjarnejad, N., Anderson, K., & Davison, C. (2020). Displacement and emotional well-being among married and unmarried Syrian adolescent girls in Lebanon: An analysis of narratives. *International Journal of Environmental Research and Public Health, 17*(12), 4543.

Ruiz-González, L., Videra, A., & Moreno-Murcia, J. A. (2015). Predictive power of task orientation, general self-efficacy and self-determined motivation on fun and boredom. *Motriz: Revista de Educação Física*, *21*(4), 361-369.

Sánchez-Rosas, J., & Esquivel, S. (2016). Instructional teaching quality, task value, self-efficacy, and boredom: A model of attention in class. *Revista de Psicología*, *25*(2), 1-20.

Sherer, M., Maddux, J. E., Mercandante, B., Prentice-Dunn, S., Jacobs, B., & Rogers, R. W. (1982). The self-efficacy scale: Construction and validation. *Psychological Reports, 51*(2), 663-671.

Steele, E. H., & McKinney, C. (2019). Emerging adult psychological problems and parenting style: Moderation by parent-child relationship quality. *Personality and Individual Differences*, *146*, 201-208.

Westgate, E. C., & Wilson, T. D. (2018). Boring thoughts and bored minds: The MAC model of boredom and cognitive engagement. *Psychological Review, 125*(5), 689-713.

Westphal, A., Kretschmann, J., Gronostaj, A., & Vock, M. (2018). More enjoyment, less anxiety and boredom: How achievement emotions relate to academic self-concept and teachers' diagnostic skills. *Learning and Individual Differences*, *62*, 108-117.

Woodruff, S., & Cashman, J. F. (1993). Task, domain, and general efficacy: A reexamination of the self-efficacy scale. *Psychological Reports, 72*(2), 423-432.

Yun, M. R., Shin, N., Kim, H., Jang, I. S., Ha, M. J., & Yu, B. (2020). Effects of school-based meditation courses on self-reflection, academic attention, and subjective well-being in South Korean middle school students. *Journal of Pediatric Nursing*, *54*, e61-e68.

Zhou, M., & Kam, C. C. S. (2017). Trait procrastination, self-efficacy and achievement goals: The mediation role of boredom coping strategies. *Educational Psychology*, *37*(7), 854-872.

Zhou, N., & Buehler, C. (2019). Marital hostility and early adolescents' adjustment: The role of cooperative marital conflict. *The Journal of Early Adolescence*, *39*(1), 5-27.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-04]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.4.8.0]